



Criminal Protection for Consumers Against Corporate Crimes: Challenges and Solutions

Sārā Mishkīn Sanjābi,¹ Jalīl Omīdī²

1. Ph.D. in Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran (**Corresponding Author**). Email: meshkin_s@yahoo.com

2. Professor, Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: jalilomidi@ut.ac.ir

Article Info

Article type:

Research Article

Received:

September 19, 2023

Accepted:

August 11, 2024

Keywords:

Criminal protection, Consumer, Victim, Corporate Crimes.



ABSTRACT

The legal system of any country should establish a comprehensive criminal policy in alignment with the rapid developments in the methods of committing corporate crimes. An essential aspect of this criminal policy, in addition to developing effective measures to combat these crimes, is how to protect their victims. Due to challenges such as the lack of recognition of consumer victimization in the criminal justice system, the absence of coherent laws appropriate to the activities of companies, the difficulty of consumers in proving these crimes due to an imbalance of power, and the judicial system's reliance on traditional and ineffective evidence, providing a fair trial in such cases is challenging. The findings of the research indicate that the protection of consumers requires solving the existing challenges in all three areas of legislative, judicial, and executive. Therefore, this study is applied and adopts a descriptive-analytical approach. By conducting in-depth interviews and reviewing various documents, it provides solutions such as reliance on experience-based laws, aligning criminal responses with the needs of victims, and recognizing consumer victimization to overcome these barriers.

Cite this article: Sanjābi Mishkīnī, S., Omīdī, J. (2024). Criminal Protection for Consumers Against Corporate Crimes: Challenges and Solutions. *Criminal Law Doctrines*, 20(26), 221-254.

<https://doi.org/10.30513/cld.2024.5520.1906>



© The Author(s).

Publisher: Razavi University of Islamic Sciences.



حمایت کیفری از مصرف‌کنندگان در برابر جرائم شرکتی؛ چالش‌ها و راهکارها

سارا مشکین سنجابی^۱، جلیل امیدی^۲

۱. دانش‌آموخته دکتری، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
(نویسنده مسئول) meshkin_s@yahoo.com
۲. استاد، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. jalilomidi@yahoo.com

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: علمی پژوهشی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۲۱</p> <p>کلیدواژه‌ها: حمایت کیفری، مصرف‌کننده، بزه‌دیده، جرائم شرکتی</p> 	<p>نظام حقوقی هر کشوری باید با پیشرفت‌های سریع در نحوه ارتکاب جرائم شرکتی، یک سیاست کیفری جامع را ترسیم کند. یکی از ابعاد مهم این سیاست، علاوه بر تدوین شیوه‌های مؤثر مقابله با جرائم، چگونگی حمایت از بزه‌دیدگان این جرائم است. به دلیل چالش‌هایی نظیر به رسمیت شناخته نشدن بزه‌دیدگی مصرف‌کنندگان در نظام عدالت کیفری، فقدان قوانین منسجم و متناسب با نوع فعالیت شرکت‌ها، دشواری اثبات این جرائم به دلیل عدم تساوی قدرت‌های طرفین و تمسک نظام قضایی به ادله اثبات سنتی و ناکارآمد، تدارک یک دادرسی عادلانه در این موارد دشوار است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که حمایت از مصرف‌کنندگان مستلزم رفع چالش‌های موجود در سه عرصه تقنینی، قضایی و اجرایی است. از این رو، پژوهش حاضر که با رویکرد توصیفی-تحلیلی و از طریق مصاحبه‌های عمیق و بررسی اسناد مختلف انجام شده، راهکارهایی نظیر استفاده از قوانین تجربه‌محور، تناسب پاسخ‌های کیفری با نیازهای بزه‌دیدگان و به رسمیت شناختن بزه‌دیدگی مصرف‌کنندگان را برای رفع این موانع ارائه می‌دهد.</p>

استناد: مشکین سنجابی، سارا؛ امیدی، جلیل. (۱۴۰۳). حمایت کیفری از مصرف‌کنندگان در برابر جرائم شرکتی؛ چالش‌ها و راهکارها. *آموزه‌های حقوق کیفری*، ۲۰(۲۶)، ۲۲۱-۲۵۴. <https://doi.org/10.30513/cld.2024.5520.1906>



مقدمه

شرکت‌ها برای ارتکاب جرم به شیوه‌های نوین و ویژه‌ای متوسل می‌شوند. از آنجا که این شرکت‌ها هدف اصلی و اولیه خود را ارائه خدمات قانونی و مشروع اعلام می‌کنند، در صورت ارتکاب جرم، به دلیل انجام رفتارهای مجرمانه تحت لوای قانون و تخصص، کشف و اثبات این جرائم از سوی بزه‌دیدگان بسیار دشوار است. عواملی نظیر خلأهای قانونی، عدم تناسب ضمانت اجراها با جرائم ارتكابی، و جایگاه نابرابر بزه‌دیدگان و شرکت‌ها در فرایند دادرسی، حمایت از بزه‌دیدگان جرائم شرکتی را با چالش‌های متعددی مواجه کرده است.

مصرف‌کنندگان برخلاف اقشاری مانند کارگران و کارفرمایان، قشر معین و ممتازی در جامعه نیستند. هر شخصی - اعم از حقیقی و حقوقی - ضرورتاً بخش عمده‌ای از کالاهای و خدمات مورد نیاز خود را از کالاهای تولیدی و خدمات عرضه شده توسط دیگران تأمین می‌نماید (Schneider' I, P.456). با این حال، ماده ۲ دستورالعمل اتحادیه اروپا مصرف‌کننده را چنین تعریف کرده است: «شخص حقیقی که کالایی را برای اهدافی که خارج از قلمرو فعالیت تجاری و حرفه‌ای وی قرار دارد، خریداری می‌کند»^۱. در تمامی تعاریف ارائه شده از مصرف‌کننده در دستورالعمل‌های اروپایی، حمایت‌های قانونی صرفاً شامل اشخاص حقیقی است و اشخاص حقوقی جز در موارد استثنایی مشمول این حمایت‌ها قرار نمی‌گیرند. به تبعیت از این تعاریف و اسناد بین‌المللی، رویکرد پژوهش حاضر بر مبنای حمایت از مصرف‌کننده حقیقی است؛ کسانی که به دلیل فقدان برابری قدرت چانه‌زنی، همواره در مقابل شرکت‌ها با نادیده گرفته شدن حقوق خود مواجه‌اند.

به نظر می‌رسد که حمایت از قربانیان جرائم شرکتی باید از دو جنبه به عمل آید: جنبه نخست، شامل همان حمایت‌هایی است که قربانیان سایر جرائم باید از آن برخوردار باشند، یعنی رفع عواقب منفی بزه‌دیدگی و تلاش برای جبران

1. Directive 98/6/EC on Consumer protection in the Indication of the prices of products Offered to Consumers.

خسارتشان، ممانعت از بزه‌دیدگی ثانویه در سیستم عدالت کیفری و جلوگیری از بزه‌دیدگی‌های مکرر از سوی شرکت‌های تجاری.

جنبه دوم، که مختص به بزه‌دیدگان شرکتی است، شامل به رسمیت شناختن بزه‌دیدگی آن‌ها هم در قوانین و هم در فرایند عدالت کیفری و غیرکیفری می‌باشد. به عبارت دیگر، اقدامات حمایتی ارتباط مستقیم با موقعیت و جایگاه این بزه‌دیدگان در نظام عدالت کیفری و میزان مشارکت آن‌ها در فرایند دادرسی کیفری دارد.

نظر به اینکه حمایت از مصرف‌کنندگان در بستر کیفری، در درجه نخست، مستلزم شناخت چالش‌ها و مشکلات آن‌ها در نظام عدالت کیفری است، پژوهش حاضر در صدد پاسخ به دو پرسش کلیدی در این حوزه است:

۱. مصرف‌کنندگان بزه‌دیده در نظام عدالت کیفری با چه چالش‌هایی مواجه هستند؟

۲. راهکارهای اساسی برای برون‌رفت از این چالش‌ها کدامند؟

برای پاسخ به این دو پرسش، افزون بر مطالعات تطبیقی، از رویکرد کیفی و روش نمونه‌پژوهی استفاده شده است. این روش شامل مصاحبه‌های عمیق و هدفمند با ۱۵ تن از کارشناسان حقوقی و ناظران مسئول کنترل کیفیت مستقر در سازمان‌های نظارتی، و همچنین ۱۲ تن از قضات محاکم کیفری و سازمان تعزیرات حکومتی استان‌های تهران و کرمانشاه است. علاوه بر این، محتوای ۵۰ پرونده در محاکم کیفری و سازمان تعزیرات حکومتی، در بازه زمانی نه‌ماهه (از خرداد ۱۴۰۰ تا بهمن ۱۴۰۰) تحلیل شده است.

بنابراین، در این پژوهش، پس از بررسی چالش‌های پیش روی مصرف‌کنندگان در نظام عدالت کیفری، به ارائه راهکارهای مناسب برای غلبه بر این چالش‌ها پرداخته می‌شود.

۱. چالش‌های حمایت کیفری از مصرف‌کنندگان

رشد روزافزون جرائم و تخلفات شرکت‌های تجاری در حوزه مصرف و گسترش قلمرو بزه‌دیدگی در این عرصه، نشان می‌دهد که تلاش دستگاه‌های تقنینی، قضایی

و اجرایی برای مبارزه با این جرائم و حمایت از قربانیان آن‌ها، به پیشرفت مطلوبی نرسیده است. بی‌تردید یکی از دلایل اصلی ناکارآمدی نظام عدالت کیفری در حمایت از این بزه‌دیدگان و وقوع بزه‌دیدگی‌های مکرر، عدم شناخت کافی از چالش‌های موجود در مراحل مختلف تقنینی، قضایی و اجرایی است. در ادامه، اهم این چالش‌ها بررسی می‌شود.

۱-۱. به رسمیت نشناختن بزه‌دیدگی مصرف‌کنندگان

بزه‌دیدگی در جرائم شرکتی در مقایسه با جرائم سنتی (مانند سرقت یا ضرب و جرح) فاقد تأثیرات مستقیم، آنی، و قابل سنجش است. حتی در جرائمی از نوع شرکتی که ممکن است تأثیرات مستقیم و شدیدی مانند قتل یا جراحات را در پی داشته باشند، به دلیل نبود قصد ظاهری از سوی مرتکب و عدم وجود رابطه شخصی بین مجرم و بزه‌دیده، بازنمایی آن به عنوان جرم دشوارتر شده و سبب می‌شود تا به قربانیان این جرائم به عنوان «بزه‌دیده» توجهی نشود. این موضوع باعث محرومیت آن‌ها از حمایت‌هایی می‌شود که نظام عدالت کیفری برای قربانیان جرائم متعارف در نظر می‌گیرد.

به عنوان مثال، استفاده از مواد اولیه نامرغوب در تولید محصولات خوراکی و بهداشتی و عدم رعایت فرمولاسیون تولید، اغلب آثار قابل رویتی برای افراد عادی ندارد. در بسیاری از موارد، تشخیص نقض قوانین حتی از سوی متخصصین نیز مستلزم انجام آزمایش‌های دقیق و فنی است. این ویژگی‌های منحصر به فرد، ضمن کاهش سطح رؤیت‌پذیری این جرائم، کشف و اثبات این رفتارهای مجرمانه را بسیار دشوار می‌سازد.

در قوانین مرتبط با جرم‌انگاری فعالیت شرکت‌های تجاری، مانند قانون مربوط به امور پزشکی، دارویی، مواد خوردنی و آشامیدنی، قانون تعزیرات حکومتی و حتی قانون حمایت از مصرف‌کننده، از واژه «بزه‌دیده» یا «قربانی» برای مصرف‌کننده استفاده نشده است. حتی با وجود توجه نظام عدالت کیفری به جرائم شرکت‌های تجاری، تمرکز این سیستم اغلب بر کنترل و پیشگیری از جرم است، نه بر حمایت از قربانیان. این تمرکز عمدتاً بر مرتکبان جرائم، نحوه برخورد با آن‌ها، و جلوگیری از تکرار

جرم بوده و قربانیان جرائم شرکتی به عنوان بزه‌دیدگان واقعی که نیازمند توجه و حمایت هستند، در نظام عدالت کیفری به رسمیت شناخته نشده‌اند (Snell & Tombs, P. 210).

بازپرس مصاحبه‌شونده در توضیح نحوه مراجعه مصرف‌کنندگان به مراجع قضایی و نحوه برخورد با آن‌ها، دو وضعیت را مطرح کرده است:

۱. عیب فاحش و آشکار در محصول قبل از مصرف: مصرف‌کنندگان اغلب زمانی به مراجع نظارتی یا قضایی مراجعه می‌کنند که متوجه عیب یا مشکلی فاحش در محصول شوند، بدون اینکه خود محصول را مصرف کرده باشند. برای مثال، مشاهده کپک در محصولات لبنی که تاریخ مصرف آن‌ها هنوز به پایان نرسیده، یا پیدا کردن حشرات یا اجسام خارجی در محصول. در این موارد، چون مصرف‌کننده هنوز از محصول استفاده نکرده و آسیبی به او وارد نشده است، نظام عدالت کیفری چنین فردی را به عنوان بزه‌دیده در نظر نمی‌گیرد و او اجازه شرکت در فرایند دادرسی را نخواهد داشت. به بیان دیگر، او تنها به عنوان گزارش‌دهنده یا اعلام‌کننده شناخته می‌شود، نه شاکی. در یک مورد که یکی از مصرف‌کنندگان در کیک صبحانه محصول یک شرکت معروف، عقرب پخته شده پیدا کرده بود، این مصرف‌کننده به سازمان غذا و دارو مراجعه کرد. این سازمان پرونده را به دادستانی گزارش داد و پس از آن نماینده شرکت در دادسرا احضار شد. با این حال، به مصرف‌کننده اجازه حضور در جلسات داده نشد، چراکه هیچ آسیب ملموسی به او وارد نشده بود و نظام عدالت کیفری این عمل را تنها یک جرم علیه سلامت عمومی تشخیص داده بود. در این موارد، مصرف‌کننده تنها به عنوان اعلام‌کننده شناخته می‌شود، نه شاکی یا بزه‌دیده.

۲. زمانی که مصرف‌کننده پس از مصرف کالای آسیب‌زا، دچار آسیب جسمی شده است. در چنین مواردی، مصرف‌کننده می‌تواند به عنوان شاکی در جلسات دادرسی حضور یابد و خواستار تعقیب کیفری شرکت و جبران خسارت شود. با این حال، حتی در این شرایط نیز به دلیل عدم کفایت دلایل و ناتوانی شاکی در اثبات جرم ارتكابی، بسیاری از پرونده‌ها در طول دادرسی به سرانجام نمی‌رسند و

بزه‌دیده از ادامه تعقیب منصرف می‌شود و پرونده مختومه می‌گردد. عوامل تأثیرگذار بر تصمیم‌گیری مقامات قضایی نیز نقشی کلیدی در روند تعقیب این جرائم دارند. این عوامل شامل وجود قوانین کیفری، دلایل و مدارک متقن، مدت زمان مورد نیاز برای تحقیقات، منابع موجود و اثرات تعقیب کیفری بر جامعه است. به دلیل این پیچیدگی‌ها، مقامات قضایی و پلیس معمولاً سریع‌تر و با اولویت به جرائم متعارف مانند سرقت یا ضرب و جرح واکنش نشان می‌دهند تا جرائم شرکتی. زیرا در خصوص جرائم شرکتی، نوعی پیش‌داوری مثبت از سوی نهادهای قضایی و رسمی وجود دارد که گویی این جرائم به اندازه جرائم متعارف خطرناک نیستند.

۱-۲. فقدان قوانین کارآمد و متناسب با فعالیت شرکت‌ها

برای اعمال هرگونه حمایت از حقوق بزه‌دیدگان شرکتی، ابتدا لازم است که رفتار ارتكابی شرکت‌ها در قوانین، وصف مجرمانه داشته باشد. جرم‌انگاری رفتارهای شرکتی، به معنای اذعان به آسیب‌زای این رفتارهاست. وجود آسیب، خود حکایت از وجود بزه‌دیدگانی دارد که می‌بایست به رسمیت شناخته شوند (Laufer, P. 120). حقوق کیفری با جرم‌انگاری و کیفی‌گذاری رفتارها، مترصد حمایت و سامان‌دهی حمایت از ارزش‌ها و مصالح خاص جامعه است. رفتارهای شرکت‌های تجاری نیز از این قاعده مستثنی نیستند. تحقیقاتی که توسط اسپالک^۱ صورت گرفته است، حاکی از آن است که درخواست اولیه قربانیان جرائم شرکتی، تغییر در قوانین و جرم‌انگاری رفتارهای زیان‌آور شرکت‌هاست (Spalek, 2005, P.9).

موافقان جرم‌انگاری رفتارهای شرکتی استدلال می‌کنند که اقدامات غیرقانونی شرکت‌ها، هم از نظر جانی و هم اقتصادی، بسیار پرهزینه‌تر و زیان‌آورتر از جرائم متعارف است. داده‌های حاصل از بررسی ۱۷۸ شرکت متخلف در دادگاه‌های فدرال در دهه ۱۹۸۰، حاکی از آن است که به طور میانگین، زیان مالی ناشی از هر جرم شرکتی ۵۶۵۰۰۰ دلار بوده که این رقم در زمان حاضر با توجه به رشد فزاینده

1. Spalek.

شرکت‌ها و وسعت فعالیتشان، به مراتب بیشتر است. در مقابل، میانگین خسارت مالی به ازای هرسرقت در همان بازه زمانی، بین ۴۰۰ تا ۱۰۰۰ دلار بوده است. افزون بر این، اتخاذ یک تصمیم شرکت برای تولید یک نوع محصول ناایمن می‌تواند هزاران بزه‌دیده را به کام مرگ بکشانند. آمار قتل‌های ناشی از خشونت در ایالات متحده، حدود ۲۲۰۰۰۰ نفر در سال است. این تعداد قریب به ۲٪ افرادی است که سالانه در اثر مصرف محصولات آسیب‌زای شرکتی کشته می‌شوند. اگر قتل‌های کارمندان و کارگران را که به دلیل کار در شرایط ناایمن و غیربهداشتی محیط شرکت‌ها اتفاق می‌افتد، و همچنین سایر اقدامات غیرقانونی شرکت‌ها علیه محیط زیست به این معادله اضافه کنیم، شاید بتوان ادعا کرد که جرائم شرکتی، خطرناک‌ترین و زیان‌بارترین جرم جامعه امروز است (Simpson, Sally S, 2002, p.3).

تحولات اقتصادی و فناورانه فرصت‌های جدیدی را برای شرکت‌های تجاری ایجاد کرده که سبب بروز اشکال نوینی از رفتارهای آسیب‌زا توسط آن‌ها شده است. این امر حاکی از آن است که برای مقابله کارآمد با این جرائم، راهبردها و سازوکارهای کنترلی باید به موازات این تحولات متحول گردد. به عبارتی، ایستایی و عدم تغییر قوانین، خود راه را برای سوءاستفاده شرکت‌های تجاری باز می‌گذارد.

وجود این مسئله، در کنار پراکندگی قوانین خاص و فقدان آگاهی بزه‌دیدگان و حتی قضات از وجود چنین قوانینی، موجب شده که در عمل قضات برای انواع مختلف جرائم شرکت‌های تجاری، نظیر تولید محصولات آسیب‌زا و عدم رعایت موازین فنی و بهداشتی، به قوانین عمومی نظیر قانون مجازات اسلامی که هیچ تناسبی با این نوع جرائم ندارند، استناد کنند.

برای نمونه می‌توان به آرای متعددی که از دادگاه‌های کیفری در خصوص جرائمی نظیر عدم رعایت فرمولاسیون تولید در محصولات لبنی مانند ماست و دوغ^۱ و نیز در خصوص توزیع و فروش محصولات خوراکی و آشامیدنی فاقد پروانه ساخت^۲

۱. پرونده کلاسه ۹۵۰۹۹۸۳۳۶۰۰۳۲۶ شعبه ۱۰۲ دادگاه کیفری ۲ اسلام آباد غرب.

۲. پرونده کلاسه ۹۴۰۹۹۸۸۳۱۵۲۰۱۳۰۸ شعبه ۱۰۸ دادگاه کیفری ۲ کرمانشاه.

یا پرونده مربوط به تولید مایع ظرف‌شویی با آلودگی میکروبی^۱ و صدها پرونده با جرائم مختلف که به استناد ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی، تحت عنوان تهدید علیه بهداشت عمومی صادر شده، اشاره نمود.

نظر به ماده ۲ و ۳ قانون مواد خوردنی، آشامیدنی، آرایشی و بهداشتی مصوب ۱۳۴۶، می‌توان دریافت که ماهیت مجازات‌های مقرر در این قانون - حبس و اعدام - غالباً متناسب با اشخاص حقیقی است. این قانون در خصوص نیازهای زمان تصویب و جرم‌انگاری رفتارهای آسیب‌زننده علیه مصرف‌کنندگان، با توجه به عدم وسعت فعالیت‌های شرکت‌ها، بسیار ارزنده و کارآمد بوده است؛ اما تناسبی با مشکلات امروز مصرف‌کنندگان و پهنه فعالیت شرکت‌های تجاری ندارد.

در رویه عملی نیز، محاکم به ناچار بر مبنای همین قوانین، در صورت ارتکاب رفتارهای آسیب‌زا به سلامت مصرف‌کنندگان از سوی شرکت‌های تجاری، حکم به مجازات نماینده شخص حقوقی - که غالباً مدیرعامل شرکت است - می‌دهند و توجه چندانی به احراز مسئولیت شرکت تجاری نمی‌نمایند.

در این خصوص می‌توان به رأی یکی از محاکم کیفری در مورد اتهام یک شرکت تولید فرآورده‌های لبنی به عدم رعایت استاندارد در تولید مواد غذایی و بهداشتی اشاره نمود: در این پرونده، شرکت مزبور متهم به استفاده غیرمجاز و عدم رعایت فرمول ثبت شده در محصولات لبنی و نیز عدم رعایت ضوابط با توجه به پاسخ استعلام آزمایشگاه شده است. دادگاه به استناد بند ۵ و ۳ ماده ۱ و ۲ قانون مواد خوردنی، آشامیدنی، آرایشی و بهداشتی مصوب ۱۳۴۶ و با رعایت بند ۳ و پ ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی، به لحاظ جوان بودن، وضعیت اجتماعی و عدم سابقه کیفری، و همچنین بند ۲ ماده ۳ قانون وصول برخی درآمدهای دولت مورخ ۱۳۹۲/۱۰/۲۴، مدیرعامل شرکت را به پرداخت جزای نقدی بدل از حبس در حق دولت محکوم نمود.^۲

همان‌گونه که ملاحظه می‌گردد، در رأی مذکور، دادگاه هیچ‌گونه اتهامی را متوجه

۱. پرونده کلاسه ۹۵۰۹۹۸۸۳۳۳۷۰۰۲۲۵ شعبه ۱۰۱ دادگاه کیفری ۲ اسلام آباد غرب.

۲. پرونده کلاسه ۱۰۸۳.....۹۴، شعبه ۱۰۱ دادگاه کیفری ۲ شهرستان آمل.

شخصیت حقوقی شرکت ندانسته و صرفاً به صدور حکم علیه اشخاص حقیقی بسنده نموده است.

۱-۳. عدم تفکیک میان جرائم و تخلفات در قوانین کیفری

از دیگر مسائلی که سبب عدم انسجام سیاست کیفری در حوزه حقوق مصرف‌کننده شده است، عدم تفکیک پاسخ‌دهی به جرائم و تخلفات است. تقریباً از بدو انقلاب اسلامی، همواره شاهد تفکیک میان جرم و تخلف در این عرصه بوده‌ایم. به‌رغم آنکه هدف گفتمان سیاست جنایی قانون‌گذار در عرصه سیاست جنایی شکلی، کاستن از حجم انبوه پرونده‌های قضایی و واگذاری برخی از آن‌ها به نهادهای شبه قضایی است، در عمل می‌توان سخن از شکست این سیاست در نظام عدالت کیفری ایران به میان آورد (نجفی ابرندآبادی، ص ۸۸۴).

از زمان آغاز تجزیه و تحلیل‌های جرم‌شناسی در خصوص جرائم شرکتی، یکی از مشکلات عمده این حوزه، وضعیت مبهم رفتارها به‌عنوان جرم - یعنی بزه کیفری در اصطلاح دقیق حقوقی - بوده است. این موضوع به‌طور گسترده در ادبیات جرم‌شناسی مورد بحث قرار گرفته است که به‌رغم پیامدهای زیان‌بار رفتارهای شرکت‌های تجاری، این رفتارها ممکن است در نظام حقوقی، بزه کیفری تلقی نشوند. این امر به‌ویژه در حوزه مقررات اقتصادی، بیشتر مشهود است که غالب رفتارها بزه مدنی یا اداری تلقی شده و با مقررات تنظیم‌گرانه به آن‌ها پاسخ داده می‌شود.

محول کردن بخش اعظمی از رفتارهای ممنوعه شرکتی به سازمان تعزیرات حکومتی و ناکارآمدی این سازمان در انجام وظایف محوله، به‌علاوه ضعف ساختاری و مدیریتی بارز آن نسبت به مراجع قضایی، حکایت از شکست این سیاست و لطمه به مصرف‌کنندگان زیان‌دیده از ناحیه این سازمان دارد. رفتارهای آسیب‌زا و خطرناکی نظیر عدم رعایت استاندارد تولید و تولید محصولات خطرناک و مضر به سلامت، غالباً تخلف - بزه اداری - تلقی شده و در مراجع غیرقضایی، نظیر سازمان تعزیرات حکومتی رسیدگی می‌شود.

برای مثال، می‌توان به رأیی که در یکی از سازمان‌های تعزیرات حکومتی صادر

برخی از نویسندگان سیاست کیفری را در این حوزه نامشخص دانسته و از تعابیری همچون «سیاست کیفری سرگردان»^۱ استفاده کرده‌اند.

۴-۱. موانع اثبات جرائم شرکتی از سوی بزه‌دیدگان

اگرچه در جرائم علیه اشخاص، در غالب موارد، شناسایی مرتکب و احراز عناصر مادی و معنوی با مشکل چندانی مواجه نیست، در جرائم شرکتی علیه مصرف‌کننده به جهت ماهیت رفتار مجرمانه و ویژگی‌هایی نظیر غیرمستقیم بودن آسیب، عدم قطعیت در تعیین علت ورود آسیب، احتمال وجود منابع و عوامل گوناگون دخیل در آسیب‌های وارده و احراز رابطه علیت، با دشواری‌های متعددی روبه‌رو است. مطابق اصول کلی حقوق کیفری، صرف وقوع صدمه برای تعقیب کیفری مرتکب کفایت نمی‌کند؛ بلکه می‌بایست بین آسیب وارده و رفتار مجرمانه، رابطه سببیت وجود داشته باشد و در صورت عدم امکان اثبات این رابطه، امکان تعقیب و محکومیت مرتکب منتفی خواهد شد.

زمانی که مصرف‌کنندگان به جهت ورود آسیب‌های جسمانی از رهگذر مصرف کالاهای آسیب‌زا اقدام به شکایت کیفری می‌نمایند، به دلیل آنکه مصرف این کالاها تأثیر یکسانی بر مصرف‌کنندگان ندارد و نیز به لحاظ تعدد عللی که منشأ ایجاد این آسیب‌ها شده است، اثبات ادعای آنان چندان ساده نیست. عواملی نظیر عادات تغذیه‌ای نامناسب، عدم تحرک، استفاده از دخانیات، سن و... می‌توانند در بروز یا تشدید آسیب‌های وارده نقش بسزایی ایفا نمایند. بنابراین نمی‌توان آسیب‌های وارده به مصرف‌کنندگان را به طور قطع به مصرف کالاهای آسیب‌رسان نسبت داد.

بنا بر اظهارات دادیار مصاحبه‌شونده: «در یک پرونده که در آن شاکی به جهت مصرف یک داروی خاص مبتلا به نارسایی کبد شده بود، حتی پس از تأیید پزشکی قانونی مبنی بر آسیب‌رسان بودن مصرف این قرص‌ها، با این استدلال که عارضه دارویی امری طبیعی است و در بروشور محصول پیش‌بینی شده، در خصوص

۱. در خصوص این مفهوم نک: نوریها، ۱۳۷۸، صص ۱۰۳-۱۲۸.

شرکت تولیدی قرار منع تعقیب صادر گردید. حال آنکه عارضه حاصله خیلی بیشتر از میزان پیش‌بینی شده بود، ولی دادگاه به جهت احتمال دخالت بیماری‌های زمینه‌ای و عوامل دیگری نظیر تداخل دارویی که ممکن است موجب بروز یا تشدید بیماری کبدی گردند، از صدور رأی دال بر محکومیت شرکت اجتناب نمود.

استناد شرکت‌ها به نامرغوب و آلوده بودن مواد اولیه، چالش دیگری در مسیر اثبات جرائم شرکتی علیه مصرف‌کنندگان است. گاه آسیب‌های ناشی از محصولات تجاری به دلیل استفاده از مواد اولیه ناسالم است؛ همین امر دستاویزی برای سوءاستفاده شرکت‌ها جهت کتمان رفتارهای مجرمانه خود و اجتناب از پذیرش عوارض حاصل از آسیب‌های وارده به مصرف‌کنندگان می‌گردد.

بنا بر اظهارات کارشناس مصاحبه‌شونده: «در خصوص مواد اولیه و محصولات کشاورزی ناسالم که در راستای سیاست خودکفایی، هیچ‌گونه نظارتی بر روند کاشت و بهره‌برداری و همچنین استفاده از سموم و آفت‌کش‌های خطرناک صورت نمی‌گیرد، جهاد کشاورزی استفاده از هر نوع سم را برای کشاورزان مجاز دانسته و صرفاً آن‌ها را تشویق به تولید محصولات بیشتر می‌کند. بسیاری از محصولات زراعی به دلیل وجود میزان بالایی از نیترات، سرطان‌زا و خطرناک هستند. وزارت بهداشت در راستای طرح PMS و به منظور کشف محصولات آسیب‌رسان موظف به نمونه‌برداری از سطح عرضه شده است؛ با وجود این، پس از تهیه محصولات مختلف به صورت تصادفی در بازار و انجام آزمایش‌های مربوطه، به‌رغم اطلاع از آسیب‌رسان بودن این کالاها، این اطلاعات را منتشر نکرده و صرفاً به صورت مجرمانه باقی می‌ماند. از این‌رو، زمانی که از شرکت‌ها به جهت تولید کالای آسیب‌زا شکایتی صورت می‌گیرد، آن‌ها به بهانه ناسالم بودن مواد اولیه و عدم استناد آسیب وارده به عملکرد شرکت تولیدی، از اتهامات وارده تبرئه می‌شوند و این چرخه تولید کالاهای ناسالم همچنان ادامه دارد...».

بررسی چالش‌های فراروی مصرف‌کنندگان در این بخش و آشنایی با موانع عدیده‌ای که این بزه‌دیدگان در زمان دادخواهی با آن مواجه بوده‌اند، داده‌های مطلوبی را در اختیار نگارندگان قرار می‌دهد که با لحاظ جمیع مشکلات موجود در

عرصه‌های تقنینی، قضایی و اجرایی، بتوانند در بخش آتی راهکارهای حمایتی جامعی ارائه دهند.

۲. راهکارهای حمایت کیفری از مصرف‌کنندگان

اولین گام برای اعمال حمایت از قربانیان جرائم شرکتی، تدوین یک سیاست کیفری منسجم است. از جمله مؤلفه‌های سیاست کیفری نظام‌مند، بازاندیشی در مفهوم مصرف‌کننده در نظام عدالت کیفری و تمرکز بر حمایت از مصرف‌کننده حقیقی و غیرحرفه‌ای است.

مفهوم مصرف‌کننده در مقابل تولیدکننده، توزیع‌کننده و فروشنده یا عرضه‌کننده به کار می‌رود و به افرادی اشاره دارد که به خرید و مصرف کالاها و خدمات برای رفع نیازهای شخصی خود می‌پردازند. بند یک قانون حمایت از مصرف‌کنندگان مصوب ۱۳۸۸، به تعریف مصرف‌کننده اختصاص یافته است: «هر شخص حقیقی یا حقوقی که کالا یا خدمتی را خریداری می‌کند». در این تعریف، به جای مصرف‌کننده از واژه خریدار استفاده شده است، بدون توجه به هدف و انگیزه خریدار. بنابراین، تاجران و اشخاص حقوقی که کالایی را با هدف استفاده در فعالیت‌های حرفه‌ای و تجاری خود خریداری می‌کنند، براساس تعریف مندرج در این قانون، مصرف‌کننده قلمداد می‌شوند.

حال آنکه هدف از وضع قوانین حمایتی، حمایت از طرف ضعیفی است که کالا را برای مصرف شخصی خریداری می‌کند، نه برای تجارت و موارد مشابه. در غیر این صورت، وضع این گونه قوانینی، به ویژه در کشورهای متکی بر نظام لیبرال و اقتصاد آزاد، صرفاً منجر به اختلال در وضعیت اقتصاد و نظم بازار آزاد می‌گردد.

از طرفی، حمایت قانون‌گذار از مصرف‌کننده، محدود به کسانی است که کالایی را خریداری می‌کنند. به همین دلیل و برخلاف نام این قانون، مصرف‌کنندگان و استفاده‌کنندگانی که لزوماً خریدار نیستند، از گردونه حمایت قانون‌گذار خارج می‌شوند. حال آنکه طبق قوانین کشورهای توسعه‌یافته، استفاده‌کنندگان و مصرف‌کنندگان کالا حتی اگر خریدار هم نباشند، تحت حمایت قانون قرار

حمایت کیفی از مصرف‌کنندگان در برابر جرائم شرکتی... / سارا مشکین و ۲۳۵

می‌گیرند (Carolyn L, 2009, P.9). بنابراین، ارائه تعریف دقیق از مصرف‌کننده و وضع قوانین منسجم در حمایت از مصرف‌کنندگان حقیقی و غیرحرفه‌ای از مبانی اصلی سیاست کیفی است.

زمانی که قوانین منسجم و مشخص باشند، نه تنها عملکرد کیفی از تشتت و تفاوت عملی مبرا می‌شود، بلکه اهداف موردنظر، از جمله حمایت از بزه‌دیدگان، با سیاستی واحد دنبال می‌شوند. اهمیت سازوکاری و روزآمد بودن قوانین، چه کیفی و چه غیرکیفی، در کنترل رفتارهای شرکت‌های تجاری به دلیل وسعت بزه‌دیدگان و شدت صدمات اقتصادی ناشی از این رفتارها، غیرقابل انکار است. حتی اندک اشتباهی در پاسخ‌دهی و کیفرگذاری، می‌تواند فضایی مسموم و کیفی در اقتصاد ایجاد کند که خود مانع ایجاد اقتصادی پویا و اعتماد مصرف‌کنندگان به نهادهای رسمی و سیستم عدالت کیفی می‌گردد (Endah Wahyuningsih & others, P.69) بنا به گفته باردا نوواری عارف؛^۱ اصلاح قوانین جزایی، صرفاً به موضوع و ماهیت مواد قانونی مربوط نمی‌شود، بلکه همواره با ارزش‌های مورد حمایت جامعه مرتبط است (Karsai, P. 457).

در ادامه به بررسی مهم‌ترین روش‌های وضع قوانین کارآمد و منسجم در خصوص جرائم شرکت‌های تجاری می‌پردازیم.

۱-۲. تدوین و اجرای قوانین کارآمد با تمسک به سیاست‌گذاری تجربه‌محور

بیش از چند دهه است که نهادهای تقنینی و قضایی مختلف با بودجه‌های کلان در تلاش هستند تا از مصرف‌کنندگان در برابر جرائم و تخلفات ارتكابی شرکت‌های تجاری حمایت کنند. اما با نگاهی به وضعیت کنونی بازار کالا و خدمات در کشور، تناسبی میان حجم مشکلات موجود و شعارهای مسئولان مربوطه و بودجه‌های تخصیصی به سیاست‌های اتخاذی مشاهده نمی‌شود. رفتارهای آسیب‌رسان شرکت‌ها به ندرت با پاسخ‌های قانونی و قضایی متناسب مواجه می‌شوند.

1. Bardda Nawawi Ariwf.

یکی از دلایل این ناکارآمدی، تمسک به رویکردهای تصمیم‌گیری از اتاق‌های فکر، بدون توجه به جمع‌آوری اطلاعات از بطن جامعه است. بسیاری از سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های نوینی که در کشور انجام می‌شود، بدون توجه به نتایج طرح‌ها و قوانین فعلی و بدون تلاش برای جبران اشتباهات گذشته صورت می‌گیرد. علت این امر را می‌توان در عدم اهمیت ارزیابی اثرات^۱ و نتایج طرح‌های پیشین و همچنین نبود مدیریت طرح‌های ارزیابی برای سنجش کارایی سیاست‌های مورد استفاده دانست.

در جوامع پیشرفته،^۲ ادبیات توسعه به رویکردهای «پایین به بالا» روی آورده است و تصمیمات جدید مبتنی بر شواهد میدانی و اطلاعات استخراج شده از جامعه هدف اتخاذ می‌شود. این رویکرد که به سیاست‌گذاری تجربه‌محور^۳ معروف است، بر ارزیابی میدانی اثرات سیاست‌ها و قوانین گذشته تأکید دارد. چنین رویکردی منجر به تولید علم پویا و فراهم کردن زمینه برای تصمیم‌گیری‌های آتی و تدوین قوانین روزآمد و منسجم می‌شود. تصمیم‌گیری بر مبنای شواهد تجربی یا سیاست‌گذاری تجربه‌محور اقتضا دارد که سیاست‌ها و قوانین موجود در میدان تجربه مورد ارزیابی و آزمایش قرار گرفته و نتایج حاصله بررسی گردد (هاولت، مایکل، ام؛ رامش، ص ۸۹).

روش ارزیابی تجربی قوانین، یک رویکرد نوظهور و در حال رشد در دنیای توسعه است که در آن به جای تکیه بر بحث‌های منسوخ، متخصصان به طور مستقیم وارد میدان شده و نتایج تصمیمات گذشته و نقاط ضعف و چالش‌های قبلی را ارزیابی می‌کنند تا برای پی‌ریزی یک سیاست دقیق‌تر به نتایج روشن‌تری دست یابند. این رویکرد می‌تواند نقطه آغازی برای بازبینی قوانین ناکارآمد گذشته و آزمایش اقدامات جدید باشد.

هرچند این فرایند از نظر مفهومی ساده به نظر می‌رسد، اما پیچیدگی‌های خاص

1. Impact Evaluatio.

2. Model Penal Code: Sentencing 2017 by The American Law Institute

3. Evidence-based policy making

حمایت کیفری از مصرف کنندگان در برابر جرائم شرکتی... / سارا مشکین و ۲۳۷

خود را دارد. برای اجرای صحیح یک سیستم سیاست گذاری تجربه محور، چند عامل ضروری است:

- وجود سیستمی که شامل اطلاعات کامل عملکرد شرکت های تجاری از آغاز فعالیت تا رسیدن کالا و خدمات به دست مصرف کننده باشد؛
- قابلیت مطالعه، تجزیه و تحلیل، و تفسیر اطلاعات موجود؛
- وجود مکانیسم های مشاوره و تحقیق؛
- امکان انتخاب سیاست های نوین و وضع قوانین کارآمد بر اساس چشم اندازهای هدفمند و منطقی.

بنابراین، برای نفوذ اندیشه ها و رویه های تجربه محور به نهادهای تقنینی و متولی کنترل جرائم شرکتی و حمایت از مصرف کنندگان، ابتدا باید بستر ورود این اندیشه ها فراهم شده و پیش نیازهای لازم برای اجرای این الگو وجود داشته باشد. در ایران، اولویت مقام های سیاست جنایی غالباً معطوف به کشف و مبارزه با جرائم ارتكابی است و سیاست گذاری در قالب کنترل فعالیت شرکت های تجاری و رصد عملکرد آن ها جای خود را به مبارزه با مصادیق جرائم خرد داده است. تا پیش از تصویب قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، بستر ورود اندیشه های تجربه محور و کنترل جرائم علیه مصرف کنندگان به نهادهای قانون گذاری وجود نداشت. شاید اگر مطالبه گری در حوزه قاچاق کالا مطرح نمی شد، تغییرات چشمگیری در سیاست گذاری برای کنترل فرایند تولید و عرضه کالا و خدمات نیز اتفاق نمی افتاد.

گرچه گام های کوچکی در این حوزه برداشته شده و سامانه های موجود با مشکلات عدیده ای مواجه هستند، اما می توان امیدوار بود که با توجه به الگوهای متنوعی که از مدل سیاست گذاری تجربه محور ارائه شده است، سیاست گذاران این عرصه گام های تکمیلی را در جهت شفاف سازی و تنظیم قوانین روزآمد و فراهم سازی بستر استفاده از الگوهای تجربه محور و مشارکت مدنی در کنترل و مبارزه با جرائم شرکتی بردارند.

۲-۲. متناسب سازی پاسخ های کیفری با نیازهای بزه دیدگان

برای وضع مجازات متناسب در خصوص جرائم شرکت های تجاری، ابتدا باید

به مبانی و ارزش‌هایی که این مجازات‌ها برای پاسداری از آن‌ها وضع می‌شوند، توجه کرد. ارزش‌هایی همچون حمایت از حقوق بشر، بازدارندگی، جبران خسارت بزه‌دیدگان و... که موجب بازسازی مبانی مجازات‌ها و برقراری توازن حمایت‌های قانونی میان مرتکبین شرکتی و بزه‌دیدگان می‌گردد.

از آنجا که شرکت‌های تجاری با انگیزه مالی و دستیابی به منافع بیشتر و بر اساس ریسک‌های مهندسی شده فعالیت می‌کنند و خط‌مشی خود را ترسیم می‌نمایند، غالباً جرائم خود را به صورت نظام‌مند و پس از سنجش و تحلیل عقلانی آثار جرم مرتکب می‌شوند (Bose, M, P. 242)، لذا تنظیم ضمانت‌اجراهای مالی نیز نباید از این قاعده مستثنی باشد و باید با افزایش تبعات زیان‌بار جرم، متناسب با انواع شرکت‌های تجاری، مانع از تحقق تصمیم‌های مجرمانه آن‌ها گردد.

با توجه به ملاحظات مذکور و وسعت قربانیان جرائم شرکت‌های تجاری در حوزه مصرف، می‌توان طبقه‌بندی کیفر بر مبنای نتایج و آثار زیان‌بار حاصله را به عنوان عاملی در جهت توزیع متناسب پاسخ‌های کیفری در نظر گرفت. به این توضیح که پاسخ‌ها، بسته به تحقق یا عدم تحقق نتیجه، دامنه و گستره آن و نیز تعداد متضرران از آن رفتار، طبقه‌بندی و تنظیم می‌شوند. در این صورت، افزون بر تعیین میزان و نوع ضرر مصرف‌کنندگان، مدلی قابل اجرا در پاسخ‌های کیفری به وجود می‌آید.^۱

تدوین ضمانت‌اجراهای متناسب با خسارات وارد شده به بزه‌دیدگان تأثیر بسزایی در پیشگیری و بازدارندگی از این جرائم و جبران خسارت بزه‌دیدگان دارد. این ضمانت‌اجراها انواع مختلفی دارند؛ همچون جزای نقدی، جبران خسارت، خدمات اجتماعی مفید به حال مصرف‌کنندگان و... که در ادامه به تفصیل مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۲-۲-۱. جبران خسارت بزه‌دیدگان در عداد ضمانت‌اجراهای کیفری

امروزه قلمرو بزه‌دیدده‌شناسی حمایتی به جبران خسارت دولتی در شرایطی که

۱. در خصوص اینکه آیا جرائم شرکت‌ها علیه مصرف‌کنندگان می‌توانند مشمول مجازات‌های تبعی یا تکمیلی گردند، می‌توان اذعان کرد که در صورت وجود شرایط مقرر در این جرائم، ممنوعیتی برای اعمال این مجازات‌ها وجود ندارد.

جبران خسارت از سوی بزهکار یا دیگر منابع مالی بر اساس نظریه‌هایی چون نظریه رفاه اجتماعی، نظریه قرارداد اجتماعی و نظریه همبستگی اجتماعی و انصاف ممکن نباشد، گسترش یافته است. بسیاری از انواع محصولات شرکت‌ها، بدون اخذ مجوز از سوی دولت و تأیید ایمنی و سلامت آن از سوی سازمان‌های نظارتی دولتی، اجازه ورود به بازار را ندارند. داروها، مواد غذایی، وسایل الکترونیک و سایر محصولات تولیدی و نیز محصولات و مواد اولیه‌ای که شرکت‌ها وارد می‌کنند، قبل از ترخیص از گمرک باید به لحاظ ایمنی و سلامتی به تأیید سازمان‌های دولتی برسند. از این رو، دولت در ورود انواع آسیبی که از رهگذر فقدان ایمنی و سلامت محصولات به مصرف‌کنندگان وارد می‌شود، سهیم است؛ در نتیجه، به رسمیت شناختن مسئولیت دولت‌ها در جبران خسارات وارده، در صورت عدم جبران از سوی شرکت‌های تجاری، با اصول مسلم حقوقی از جمله قاعده لاضرر و تسبیب مطابقت دارد.

مقررات جبران خسارت شامل اخذ غرامت از شرکت‌های تجاری است. به موجب بند ۱ ماده ۴۵^۱ دستورالعمل کمیسیون اروپایی، مقام تحقیق باید در اولین مواجهه با بزه‌دیدگان به آن‌ها اطلاع دهد که چگونه و تحت چه شرایطی می‌توانند به غرامت و ساز و کارهای جبران خسارت دسترسی داشته باشند. البته جبران خسارت بزه‌دیدگان در گرو میزان حمایت مقنن با به رسمیت شناختن مسئولیت شرکت به پاسخگویی در برابر آسیب وارده است، اعم از آنکه رفتار ارتكابی واجد وصف مجرمانه باشد یا خیر (Herman, S, P. 245).

تعداد زیاد بزه‌دیدگان سبب طولانی شدن پرونده (اعم از کیفری و مدنی) می‌گردد. علاوه بر این، مسائلی نظیر بروز عوارض در درازمدت و مشکلات مرتبط با ارائه دلیل، می‌تواند جبران خسارت بزه‌دیدگان را تقریباً غیرممکن کند. برای بهبود این وضعیت که به شدت کیفیت زندگی بزه‌دیدگان را هم در سطح عملی و هم در سطح احساسی تحت تأثیر قرار می‌دهد، مقنن باید نظامی برای به رسمیت شناختن

1. DG Justice Guidance Document related to the transposition and implementation of the Directive 2012/29/EU, pp. 40-41.

اقدامات جمعی جبران خسارت، که تنها ابزار برای کاهش عدم تناسب میان منابع و اطلاعات میان بزه‌دیدگان و شرکت‌های تجاری است، ایجاد نماید. یکی از سازوکارهای مناسب در این عرصه، به رسمیت شناختن دعاوی گروهی در نظام قضایی است. به طور معمول، هنگامی که ارتکاب جرم یا تخلف از سوی شرکت‌های تجاری موجب تحقق زیانی در سطح گسترده علیه گروه مصرف‌کننده می‌گردد، دعاوی به صورت جمعی یا گروهی اقامه می‌شود (Mattile & Desoutter, 2008, P. 113).

در حقوق ایران، این شکل از دعاوی جمعی که عده‌ای به نمایندگی از یک گروه مصرف‌کننده اقدام به اقامه دعوا در مراجع صالح نمایند، وجود ندارد. آنچه که در قانون مدنی تحت عنوان نهاد نمایندگی مورد پذیرش قرار گرفته است، مختص اشخاصی است که توانایی ابراز اراده خویش را ندارند؛ مانند اشخاص حقوقی یا کسانی که اراده آن‌ها فاقد اعتبار است، نظیر محجورین. در حالی که مقصود از نمایندگی در دعاوی جمعی، اقامه دعوا به نیابت از گروهی است که علاوه برداشتن اراده، توانایی ابراز این اراده را نیز دارند؛ این شکل از نمایندگی در نظام حقوقی ایران وجود ندارد.

البته قانون تجارت الکترونیک مصوب ۱۳۸۲، به صراحت دعاوی جمعی را به رسمیت شناخته و اختیار اقامه این قبیل دعاوی را به سازمان‌های قانونی و مدنی اعطا نموده است. ماده ۴۸ این قانون اشعار می‌دارد: «سازمان‌های قانونی و مدنی حمایت از مصرف‌کننده می‌توانند به عنوان شاکی اقامه دعوا نمایند. ترتیب آن به موجب آیین‌نامه‌ای خواهد بود که به پیشنهاد وزارت بازرگانی و تصویب هیئت وزیران تصویب می‌شود». در مواد ۲ الی ۵ آیین‌نامه موصوف به چگونگی اقامه دعوا از طرف سازمان‌ها و انجمن‌های حمایتی اشاره شده است. این آیین‌نامه، به رغم موانع و تردیدهایی که در مسیر اجرای آن وجود دارد، حاوی مفاد و مقررات نسبتاً پیشرفته‌ای است. از جمله موانع اجرای این آیین‌نامه، فقدان زیرساخت‌های ضروری از جمله عدم وجود انجمن‌های فعال در سطح کشور است. در نظام حقوقی ایران، انجمن‌ها نقش فعالی در اعلان جرم و اقامه دعاوی گروهی علیه شرکت‌های

تجاری ندارند. بنا بر اظهارات رئیس انجمن حمایت از مصرف‌کننده: «به‌رغم وجود اختیار قانونی برای شرکت انجمن‌ها در جلسات دادگاه و پیگیری پرونده، اقدامات این انجمن صرفاً به راهنمایی شاکی به شکایت در مراجع ذی‌صلاح و تنظیم پرونده به گونه‌ای که از ادله کافی برخوردار باشد، محدود شده است. غالب انجمن‌های حمایت از مصرف‌کنندگان در عمل فعالیت خاصی انجام نمی‌دهند و به دلیل نداشتن اختیارات کافی و مشکل تأمین هزینه، از انجام وظایف اصلی خود در حمایت از مصرف‌کنندگان بازمانده‌اند. به طوری که می‌توان گفت مهم‌ترین مسئله در فعال شدن این انجمن‌های حمایتی و غیردولتی، موضوع تأمین هزینه‌های آنهاست. قانون حمایت از مصرف‌کنندگان، علاوه بر عدم پیش‌بینی راه‌های اطمینان‌آور و قابل اتکا برای تأمین هزینه‌های لازم، اختیارات کافی برای تأمین این هزینه‌ها از سایر مجاری را به آن‌ها نداده است».

از سویی، برای ترغیب شرکت‌ها به جبران خسارت بزه‌دیدگان، می‌توان از این اقدام به‌عنوان یک عامل مخففه در کاهش مجازات بهره‌گرفت. این تشویق‌ها می‌تواند شامل کاهش مجازات یا حتی تبدیل مجازات به اقدامات اصلاحی مفید به حال مصرف‌کنندگان باشد؛ مانند الزام به ارائه کالا یا خدمات با قیمت پایین‌تر، به جای صدور حکم به جزای نقدی. دستیابی به این توافقات، افزون بر اعمال حمایت مؤثر از بزه‌دیدگان، سبب ورود مدل‌های حل اختلاف جایگزین به سیستم حقوقی کشور می‌گردد که اولویت آن‌ها جبران خسارت بزه‌دیدگان و تأمین حقوق آنان در فرایند رسیدگی است.

۲-۲-۲. تعیین جزای نقدی متناسب با گردش مالی شرکت

منظور از جزای نقدی یا جریمه، الزام محکوم‌علیه به پرداخت وجه نقد به حساب دولت است. به جهت عدم امکان اعمال ضمانت‌اجراهایی با طبع فردمدارانه بر شرکت‌های تجاری، جزای نقدی یکی از مهم‌ترین ضمانت‌اجراهای قابل اعمال در این حوزه به شمار می‌رود. وجود مزایایی نظیر قابلیت انطباق با ماهیت شرکت‌های تجاری، سرعت در وصول و اجرا، قابلیت درجه‌بندی و تناسب با میزان شدت جرم و تقصیر شرکت‌های تجاری، این مجازات را به رایج‌ترین مدل

ضمانت اجرای شرکت‌های تجاری بدل نموده است (Clark, B & Lansford, H, 2005, P. 34). با وجود این، به ضمانت اجرای جزای نقدی ایرادات قابل تأملی وارد است که اساسی‌ترین آن عدم پیامدگرایی یا پیامدگرایی محدود آن است.

جزای نقدی قابل اعمال بر شرکت‌های تجاری در قیاس با بنیه مالی و سود سرشار ناشی از فعالیت‌های مجرمانه، نمی‌تواند به مثابه یک تهدید کیفری مرعوب‌کننده به شمار آید. حتی زمانی که قانون‌گذاران به دادگاه‌ها اجازه تعیین بالاترین مبلغ جزای نقدی را علیه شرکت‌های تجاری می‌دهند، باز هم تضمینی برای تحقق اهداف بازدارندگی خاص یا عام نیست، زیرا منابع مالی کلان و سود سالانه برخی از این شرکت‌ها بسیار بیشتر از آن است که جزای نقدی تعیین شده بتواند تأثیری بر آن‌ها داشته باشد.

شرکت‌های تجاری بزرگ، جزای نقدی اندکی را که مورد حکم قرار می‌گیرد، همچون سایر مخارج سالیانه خود محاسبه کرده و در برنامه ریزی‌های خود لحاظ می‌کنند. بنابراین می‌توانند با افزایش قیمت محصولات یا کاهش کیفیت تولیدات خود، به راحتی هزینه‌های ناشی از جزای نقدی را مدیریت کرده و اثر مجازات را خنثی نمایند. البته تحمیل جزای نقدی سنگین و نامتناسب با گردش مالی شرکت، می‌تواند به توالی فاسدی مانند ورشکستگی و انحلال شرکت و اخراج قهری صدها و چه بسا هزاران نیروی کار منجر شود. از این رو، محاکم باید در راستای اصل فردی کردن ضمانت‌اجراهای مالی، به هزینه‌ها و درآمدهای شرکت‌های تجاری توجه نموده و برای احراز این امر، ترازنامه محاسباتی، اقتصادی و حساب سود و زیان آن‌ها را مورد بررسی قرار دهند.^۱

۱. بر پایه همین اصل در قانون جزای فرانسه، اعمال قاعده تکرار جرم و چند برابر شدن جزای نقدی در مورد اشخاص حقوقی پیش‌بینی شده است. شرایط تکرار جرم عبارت است از داشتن سابقه محکومیت به جنایت یا جنحه یا خلاف درجه پنج و اینکه پس از انقضای مجازات، مرتکب جرمی شود که از درجه جنحه یا جنایت باشد، اعم از اینکه جرم جدید مشابه جرم سابق باشد یا خیر، مجازات جدید تشدید خواهد شد. اگر جرم اول از درجه خلاف و جرم دوم نیز از همین درجه و مشابه آن باشد (تکرار خاص) و در مدت یک سال از تاریخ خاتمه محکومیت سابق ارتکاب یابد، مجازات جدید تشدید خواهد شد. (مواد ۱۳۲-۱۵ تا ۱۳۲-۱۲) مجموعه قانون نوین کیفری.

به موجب ماده ۲۱ ق.م.ا: «میزان جزای نقدی قابل اعمال بر اشخاص حقوقی، حداقل دو برابر و حداکثر چهار برابر مبلغی است که در قانون برای ارتکاب همان جرم به وسیله اشخاص حقیقی تعیین می‌شود». در خصوص جرائم رایانه‌ای ارتكابی از سوی اشخاص حقوقی، میزان جزای نقدی سه تا شش برابر جزای نقدی مقرر برای اشخاص حقیقی است (ماده ۷۴۸ ق.م.ا). اگرچه رویکرد اتخاذی توسط مقنن ایران با هدف افزایش بازدارندگی ضمانت اجرای جزای نقدی صورت گرفته است، اما چندان عاری از اشکال نیست، زیرا در خصوص آن دسته از شرکت‌هایی که از قدرت مالی بالایی برخوردار هستند، با دو یا شش برابر کردن جزای نقدی نمی‌توان آن‌ها را از ادامه فعالیت‌های خطرناک و سودآورشان منصرف نمود.

از طرفی، در خصوص شرکت‌های تجاری کوچک که از گردش مالی ضعیفی برخوردارند، سیاست اتخاذی قانون‌گذار در خصوص اعمال جریمه چندبرابری ممکن است خارج از توان مالی این شرکت‌ها بوده و به ورشکستگی و اضمحلال آن‌ها بینجامد. در چنین شرایطی، نه تنها فایده‌ای بر تشدید مجازات مترتب نیست، بلکه معلوم نیست که حتی تصاحب دارایی شرکت‌های مختل شده هم بتواند تکافوی پرداخت جزای نقدی مورد حکم دادگاه را بدهد.

در نظام کیفری انگلستان، برای جلوگیری از چنین تالی فاسدی، میزان جزای نقدی متناسب با پایه دارایی و گردش مالی سالانه شرکت‌های تجاری تعیین می‌شود. قانون عدالت کیفری مصوب ۱۹۹۱ این کشور، در خصوص افزایش میزان جریمه مجرمین، از همین منطق پیروی نموده و آن را در صورت برخورداری از پتانسیل مالی تجویز کرده است.^۱ هیئت مشورتی مجازات^۲ نیز به هنگام تعیین جزای نقدی برای شرکت‌ها، توجه دادگاه را به مؤلفه‌هایی چون شدت جرم و قدرت مالی شرکت‌های تجاری جلب نموده است. این معیار می‌تواند افزون بر ارتقای سطح بازدارندگی جزای نقدی، سبب تناسب واقعی جرم و مجازات گردد. شرکت‌های تجاری دارای تراز مالی مختلف و ساختار و اهداف متفاوتی هستند؛ به

1. Criminal Justice Act 1991 (UK), S 19.

2. Sentencing Advisory Panel.

این توضیح که یک میزان واحد از جزای نقدی برای یک شرکت ناچیز و بی‌اهمیت و برای شرکت دیگر سنگین به نظر می‌رسد؛ از این رو، نمی‌توان آن‌ها را با یک معیار واحد و یکسان مجازات نمود (MC Conville, J, 2005, P. 44). بر این مبنای هیئت مشورتی اظهار نموده که معقول‌ترین معیار ممکن برای تناسب میزان جزای نقدی با واقعیت مالی شرکت‌های تجاری و دشوار نمودن وقوع جرم از سوی سایر شرکت‌های مشابه، مقرر ساختن پنج درصد متوسط گردش مالی سه سال قبل از تعیین مجازات است. همان‌گونه که ملاحظه می‌گردد، تناسب ضمانت‌اجراهایی نظیر جزای نقدی با گردش مالی شرکت و وسعت خسارات وارده به مصرف‌کنندگان، نه تنها می‌تواند در بازدارندگی شرکت از ارتکاب جرائم مشابه مؤثر باشد، بلکه می‌توان از آن به عنوان ابزاری برای الزام شرکت‌ها به جبران خسارت مصرف‌کنندگان، با استفاده از سازوکار کیفیات مخفیه و تشویق آن‌ها به جبران آسیب‌های وارده، استفاده نمود.

۲-۲-۳. وضع ضمانت‌اجراهای مفید به حال مصرف‌کنندگان

تلاش برای انطباق نهاد خدمات اجتماعی با جرائم ارتكابی از سوی شرکت‌های تجاری و الزام آن‌ها به اصلاح فرایندهای آسیب‌رسان، از دیگر نوآوری‌های نظام‌های حقوقی در جهت توسعه ضمانت‌اجرای قابل انطباق بر ساختار این نوع جرائم به شمار می‌رود. این تدابیر موقعیت مناسبی را فراتر از ترمیم خسارت بزه‌دیدگان بالفعل، برای مقام‌های رسیدگی‌کننده فراهم می‌آورد تا افزون بر جبران خسارت وارده، به حمایت از بزه‌دیدگان بالقوه پرداخته و منافع مصرف‌کنندگان را بدون تحمیل هزینه به دولت و اقتصاد کشور، مورد حمایت قرار دهند.

این قبیل ضمانت‌اجراها، چه به عنوان جایگزین ضمانت‌اجرای کیفری و چه افزون بر آن، می‌تواند علاوه بر تأمین منافع مصرف‌کنندگان، شرکت‌های تجاری را در مهلتی مقرر به امحای عوامل ناقض قانون و اصلاح سیاست‌های صریح و تلویحی معارض با حقوق مصرف‌کننده و نیز ارتقای کیفیت محصولات و ادار سازد. همچنین برای کارآمدی بیشتر می‌توان از آن به عنوان شرط تعلیق مجازات استفاده نموده و شرکت‌های تجاری محکوم را ترغیب کرد که در دوران تعلیق، برابر با جدول

زمانی معین، به ارائه خدمات رایگان به مصرف کنندگان، رفع نقائص سیستم یا سایر اقدامات مفید به حال مصرف کنندگان مبادرت کرده و از اجرای مجازات تعلیقی علیه خود ممانعت به عمل آورند (Traveskas, S, P. 24).

محکومیت یک شرکت حمل و نقل متخلف به سرویس دهی به دانش آموزان بی بضاعت یا ارائه داروها و تجهیزات پزشکی رایگان به بیماران بی بضاعت از سوی شرکت های داروسازی متخلف، از نمونه خدمات اجتماعی مفید و قابل اجرا هستند. البته توان مالی شخص حقوقی و ارتباط تخصص و مهارت او با نوع خدمت اجتماعی، نکته ای است که نباید نادیده انگاشته شود. همچنین کاهش تسری آثار منفی برخی ضمانت اجراها، مانند انحلال، مصادره اموال و جزای نقدی بر اشخاص ثالث از جمله مصرف کنندگان، استفاده از سازوکار خدمات اجتماعی و الزام به اصلاح فرایندهای آسیب رسان را موجه می نماید. این ضمانت اجراها به شرکت های تجاری فرصت می دهند که با اجرای دقیق برنامه های مفید به حال مصرف کنندگان در دوران تعلیق مراقبتی، مانع اجرای مجازات معلق نسبت به خود شوند. چنین سیاستی نه تنها به بیکاری کارکنان و کارگران شرکت نمی انجامد، بلکه موجب ایجاد اشتغال برای آنان و دیگران نیز می گردد. در نتیجه، پیام مصرف کنندگان در خصوص غیرقابل تحمل بودن جرائم شرکت های تجاری و عدم تسامح در برابر آن، به نحو مناسبی منعکس می شود.

ویژگی های فوق موجب گردیده تا نظام های حقوقی به تدریج رغبت خود را نسبت به پذیرش این ضمانت اجراها به مثابه ضمانت اجرایی کارآمد نشان دهند. همان گونه که ایالات متحده آمریکا سالیان متمادی است که با استفاده از این سازوکار، از آثار آن بهره مند شده است (Nada. P. 61-69).

حال مسئله این است که آیا در نظام حقوقی ایران در جرائم ناقض حقوق مصرف کنندگان، می توان از سازوکارهایی همچون الزام شرکت ها به ارائه خدمات اجتماعی یا اصلاح فرایندهای آسیب زا، به صورت مجازات های تبعی یا تکمیلی و یا حتی جایگزین مجازات کیفری بهره برد؟ در قانون، ممنوعیتی برای اعمال این مجازات ها در خصوص اشخاص حقوقی از جمله شرکت های تجاری وجود

ندارد^۱ و در شمار مجازات‌های تکمیلی مقرر در ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی، در بند «د» الزام به خدمات عمومی به عنوان محکومیت تکمیلی مورد اشاره قرار گرفته است.

در خصوص جایگزینی این قبیل ضمانت اجراها، در نظام حقوقی ایران، این پاسخ در خصوص مجازات جایگزین حبس اشخاص حقیقی در ماده ۶۴ ق.م.ا. نمود یافته است. با وجود این، در شمار ضمانت‌اجراهای هفت‌گانه ناظر بر جرائم اشخاص حقوقی موضوع ماده ۲۰ قانون مرقوم، اثری از آن‌ها مشاهده نمی‌شود.

به‌رغم تنوع نسبی در ضمانت‌اجراهای جرائم اشخاص حقوقی - موضوع ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی - از ضمانت‌اجراهایی نظیر اصلاح وضعیت جرم‌زا که تأثیر بسزایی در بازدارندگی شرکت‌ها از تکرار جرم داشته و تبعات سوء کمتری نسبت به سایر ضمانت‌اجراها دارد، نشانی دیده نمی‌شود. بنا بر اظهارات ناظر مصاحبه‌شونده: «ما به عنوان یک نهاد نظارتی، همیشه در مرحله اول از شرکت‌ها می‌خواهیم که محصولات فاسد را معدوم کرده و فرمولاسیون تولید خود را اصلاح کنند و اگر انبار شرکت استانداردهای لازم را نداشته باشد، مثلاً فاقد سیستم تهویه یا سیستم‌های سرمایشی مناسب باشد و یا اینکه فرایند توزیع و ماشین‌های حمل کالا استاندارد نباشند، به آن‌ها می‌گوییم که این موارد را اصلاح کنند و به ما گزارش بدهند، زیرا ما خود هیچ علاقه‌ای به شکایت کیفری و افتادن در فرایند نفس‌گیر کیفری نداریم؛ اما متأسفانه شرکت‌ها چون می‌دانند که راه‌های فرار بسیاری از محکومیت کیفری دارند و حتی به فرض محکومیت، ضمانت‌اجراهای موجود به مراتب خفیف‌تر و به صرفه‌تر از اصلاح رویه‌های جرم‌زاست، معمولاً حاضر به همکاری نمی‌شوند».

ازاین‌رو، وضع چنین ضمانت‌اجراهایی به عنوان جایگزین ضمانت‌اجراهای کیفری و یا استفاده از آن‌ها به عنوان مجازات‌های تکمیلی در جرائم شدیدتر،

۱. به عنوان مثال می‌توان به ماده ۲۰ از قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان اشاره نمود: «مراجع ذی صلاح رسیدگی‌کننده می‌توانند علاوه بر مجازات‌های مقرر قانونی، عرضه‌کنندگان کالا و خدمات یا تولیدکنندگان و فروشندگان را مجبور به جمع‌آوری کالاهای عرضه‌شده به منظور تعمیر و اصلاح و رفع عیب کالاهای فروخته‌شده یا خدمات عرضه‌شده نمایند.»

حمایت کیفری از مصرف کنندگان در برابر جرائم شرکتی... / سارا مشکین و ۲۴۷

می تواند ضمن توجه به منافع بزه دیدگان این عرصه و ممانعت از تکرار این جرائم، در بسیاری از موارد از تبعات منفی مجازات های کیفری نظیر سوء شهرت شرکت های محکوم و یا انحلال آن ها جلوگیری نماید.

۲-۳. به رسمیت شناختن حقوق بزه دیدگان در فرایند دادرسی

بزه دیدگان شرکتی، همچون سایر بزه دیدگان و آسیب دیدگان جرائم کلاسیک، زمانی که وارد فرایند رسیدگی کیفری می شوند، نیازمند به رسمیت شناختن حقوق و حمایت هایی از سوی مقنن و کنشگران قضایی هستند. برخی از این حقوق میان بزه دیدگان انواع جرائم مشترک است، اما برخی از حمایت های ضروری مختص بزه دیدگان جرائم شرکتی، به ویژه مصرف کنندگان بزه دیده است که بخش بزرگی از جامعه بزه دیدگان شرکتی را تشکیل می دهند. در ادامه به بخشی از این حقوق پرداخته می شود.

۲-۳-۱. دسترسی به اطلاعات

مصرف کنندگان به دلیل پیچیدگی و تخصصی بودن جرائم شرکتی، در بسیاری از موارد از چگونگی اعلام شکایت و حتی مرجع صالح برای گزارش بزه دیدگی خود مطلع نیستند. دسترسی به اطلاعاتی نظیر اینکه از چه شخصی و چگونه شکایت کنند، خود نوعی حمایت تلقی می شود. همچنین آگاهی از حقوقی مانند حق دسترسی به حمایت های پزشکی، روانی و خدمات اجتماعی می تواند به بزه دیدگان انگیزه دهد تا با مقامات قضایی در گزارش فوری جرائم شرکتی همکاری کنند (Mancuso, P. 82).

بنا بر اظهارات یک قاضی مصاحبه شونده: «پس از احراز تخلف یا جرم یک شرکت از سوی واحدهای نظارتی و حتی پس از صدور رأی قطعی از مراجع قضایی دال بر مجرمیت شرکت های تجاری، این تخلفات و جرائم به اطلاع مصرف کنندگان نمی رسد». همین امر موجب می شود که مصرف کنندگان بدون اطلاع از آسیب رسان بودن محصولات، همچنان به مصرف آن ها ادامه دهند و طبیعتاً اقدامی در جهت گزارش جرائم ارتكابی صورت نمی گیرد. بنابراین ضروری است که احکام صادره

علیه شرکت‌های تجاری، به‌ویژه در مواردی که جرائم ارتكابی سلامت مصرف‌کنندگان را به خطر می‌اندازند، در سامانه‌های زیرمجموعه قوه قضائیه به صورت رسمی و با ذکر نام شرکت به اطلاع مصرف‌کنندگان برسد. این اقدام نه تنها از تکرار جرم توسط شرکت محکوم جلوگیری می‌کند، بلکه از تکرار جرائم مشابه توسط سایر شرکت‌های تجاری نیز پیشگیری می‌نماید.

راه‌های مختلفی برای حمایت از بزه‌دیدگان و افزایش آگاهی آنان وجود دارد. به‌عنوان مثال، انتشار اطلاعات مربوط به کالاهای آسیب‌رسان و فاقد ایمنی در شبکه‌های اجتماعی می‌تواند بزه‌دیدگانی را که از بزه‌دیدگی خود بی‌اطلاع هستند، آگاه کند و اطلاعات لازم درباره چگونگی طرح شکایت و مراجع صلاحیت‌دار را در اختیار آن‌ها قرار دهد. به‌عنوان نمونه، در برخی کشورها مانند انگلستان، سائیتی راه‌اندازی شده است که به معرفی انواع جرائم شرکتی می‌پردازد و از مخاطبان خود می‌خواهد چنانچه بزه‌دیده این جرائم هستند، فرم مربوطه را تکمیل و دلایل خود را به حوزه مربوطه ارائه دهند (Mancuso, P.177).

در واقع، دسترسی به اطلاعات شرط ضروری برای دسترسی به عدالت است. بدون داشتن این اطلاعات، امکان گزارش جرائم یا شکایت از شرکت‌های تجاری، تصمیم‌گیری درباره مشارکت در فرایند دادرسی کیفری یا توافق خارج از دادگاه وجود ندارد. این جنبه از حق برخورداری از اطلاعات به یکی دیگر از اهداف حمایت از بزه‌دیدگان، یعنی ممانعت از پدیده تکرار بزه‌دیدگی، پیوند خورده است.

۲-۳-۲. شرکت در فرایند دادرسی کیفری و دسترسی به ادله اثبات کارآمد

در سال‌های اخیر، قوانین فراملی بر اهمیت مشارکت بزه‌دیدگان در فرایند دادرسی برای بهبود پیامدهای بزه‌دیدگی تأکید کرده‌اند. نقش بزه‌دیده در دادرسی کیفری، بر اساس چارچوب‌های قانونی کشورها متفاوت است و این امر بردامنه حقوق تضمین‌شده بزه‌دیدگان تأثیر می‌گذارد. ماده ۱۰ دستورالعمل کمیسیون اروپایی اشعار می‌دارد: «دولت‌های عضو باید تضمین کنند که شکایت بزه‌دیدگان

شنیده شود و آن‌ها در فرایند دادرسی شرکت کنند.^۱ با این حال، این دستورالعمل به حق بزه‌دیدگان برای جمع‌آوری دلایل یا درخواست آن‌ها از مقام تحقیق، اشاره‌ای نمی‌کند. بدیهی است تضمین حقوق بزه‌دیدگان با به رسمیت شناختن جایگاه آن‌ها در نظام عدالت کیفری یک کشور ارتباط مستقیم دارد (Engelhart & Others, P.). (123).

در نظام حقوقی ایران، به بزه‌دیدگان اجازه شرکت در فرایند دادرسی داده می‌شود، مشروط بر اینکه به دلیل مصرف کالا و خدمات شرکت‌ها، ضررهای ملموس جسمی یا مالی به آن‌ها وارد شده باشد. این در حالی است که آسیب روانی و مخدوش شدن اعتماد مصرف‌کنندگان به مشروع بودن فعالیت شرکت‌ها و نیز صحت عملکرد مراجع نظارتی که سلامت محصول را تأیید کردند، یکی از مصادیق بارز بزه‌دیدگی در این قبیل جرائم است.

ورود به فرایند کیفری مستلزم در اختیار داشتن مدارکی است که نشان دهد شکایت مطروحه واهی نیست. حال آنکه قربانیان جرائم شرکتی به دلیل موانع عدیده‌ای مانند گذشت زمان و عدم دسترسی به اطلاعات مثبت‌ه ادعای خود، قادر به تهیه این مدارک نیستند. ماهیت و طبیعت غالب جرائم نوین، از جمله جرائم شرکتی، به گونه‌ای است که اتکا به ادله سنتی همچون اقرار، شهادت و سوگند در اثبات آن‌ها کارساز نبوده و مبنای علم قاضی را ادله علمی و نوین تشکیل می‌دهد. روزآمد کردن نظام ادله اثبات، در کنار شفاف‌سازی فضای فعالیت شرکت‌ها و ارتقای آگاهی مصرف‌کنندگان، موجب می‌شود که مصرف‌کننده با اعتماد و قدرت بیشتری وارد فرایند کیفری شود و آمار گزارش جرائم شرکتی و به تبع آن محکومیت شرکت‌های متخلف بالاتر رود.

نتیجه‌گیری

این واقعیت را نمی‌توان انکار کرد که وضعیت جدید جهان پس از انقلاب

1. art 10: in Directive 2012/29/EU for Victims of Corporate Crimes and Corporate Violence.

صنعتی، عدم تعادل در رابطه تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان را بیش از پیش آشکار ساخته است. اما منشأ این عدم تعادل در واقع به نبود حمایت کافی از حقوق مصرف‌کنندگان در نظام‌های حقوقی و به رسمیت نشناختن بزه‌دیدگی آن‌ها در برابر شرکت‌های تجاری بازمی‌گردد.

نظام حقوقی ایران، با وجود اعمال حمایت‌های پراکنده و ناکافی از حقوق مصرف‌کنندگان، به دلیل فقدان یک رویکرد منسجم و ضابطه‌مند در مواجهه با جرائم این شرکت‌ها و همچنین تمسک به ادله اثبات سنتی و ناکارآمد در برابر این جرائم پیچیده و مدرن و برخوردار نبودن بزه‌دیدگان این عرصه از حمایت‌های معمول قربانیان جرائم متعارف، مانند جبران خسارت دولتی و نقش فعال بزه‌دیده در فرایند کیفری، هنوز سازوکارهای لازم را برای حمایت از این دسته از بزه‌دیدگان تدوین نکرده است.

برای تدوین یک سازوکار جامع حمایتی، ضروری است که ضمن تلاش برای ایجاد نظام قانون‌گذاری که واجد حداقل استانداردهای قانونی مربوط به حقوق بزه‌دیدگان با لحاظ موقعیت و جایگاه نابرابر آن‌ها در مقابل شرکت‌ها باشد، یک نظام جامع جبران خسارت که دربرگیرنده کلیه نیازهای بزه‌دیدگان باشد، ایجاد شود. مهم‌ترین این نیازها عبارت‌اند از: به رسمیت شناختن آسیب‌ها، احترام، حمایت خاص، دسترسی به اطلاعات، شرکت فعال در فرایند دادرسی، دسترسی به ادله اثبات کارآمد و فایده‌مندی ضمانت‌اجراها.

البته تضمین اعمال صیانت همه‌جانبه از حقوق مصرف‌کننده در گرو تصحیح هر سه فرایند تقنینی، قضایی و اجرایی و عملکرد مناسب و هماهنگ دستگاه قضایی و ضابطین با دستگاه‌های نظارتی در حوزه‌های مربوطه، با لحاظ جایگاه بزه‌دیدگان این عرصه در نظام عدالت کیفری و تلاش برای احقاق حقوق آنان است. لذا برای برون‌رفت از چالش‌های فراروی قربانیان جرائم شرکت‌های تجاری، پیشنهادات ذیل ارائه می‌گردد.

۱. تدوین قانون واحد حمایت از مصرف‌کننده:

یک قانون واحد به نام «قانون حمایت از مصرف‌کننده» تدوین گردد که ضمن

تناسب با ماهیت فعالیت شرکت‌های تجاری، کلیه قوانین پراکنده قبلی را نسخ نماید. جرم‌انگاری و پاسخ‌گذاری در این عرصه باید در کنار اهدافی همچون بازدارندگی و با لحاظ نیاز بزه‌دیدگان و توجه به منافع آن‌ها انجام شود. پاسخ‌ها باید با توجه به تحقق یا عدم تحقق نتیجه، دامنه و گستره متضرران آن رفتار طبقه‌بندی و تنظیم شوند. چنین امری به معنای عدول از مجازات‌های ثابت در برابر جرائم با نتایج زیان‌بار متفاوت و متناسب‌سازی پاسخ‌ها با نیاز بزه‌دیدگان است. در این صورت، افزون بر تعیین میزان و نوع ضرر مصرف‌کنندگان، مدلی قابل‌اجرا در پاسخ‌های کیفری به وجود می‌آید. مرز میان جرم و تخلف باید به صورت کاملاً شفاف با توجه به میزان و گستردگی آسیب وارده مشخص گردد. به عنوان مثال، عدم رعایت استاندارد و فرمولاسیون تولید به دلیل آثار مخرب و زیان‌بار آن بر مصرف‌کنندگان، جرم تلقی شده و الزام شرکت به اصلاح فرایند آسیب‌رسان به عنوان ضمانت اجرای اصلی یا تکمیلی مقرر گردد.

۲. جامعیت بخشیدن به پاسخ‌ها و استفاده از راه‌حل‌های غیرکیفری:

قانون‌گذاران باید در کنار جرم‌انگاری و کیفرگذاری، به جامعیت بخشی به پاسخ‌ها و استفاده از راه‌حل‌های غیرکیفری همچون پاسخ‌های مدنی، اداری و انتظامی برای اعمال حمایت از بزه‌دیدگان و تسریع فرایند جبران خسارت آنان اهتمام ورزند. به این صورت که ضمن اصلاح و تناسب پاسخ‌های کیفری با شدت رفتار ارتكابی و میزان آسیب وارده، در مواردی که جرائم ارتكابی و خسارات وارده چندان شدید نیست، اولویت با پاسخ‌های مدنی، جبرانی و ترمیمی باشد و در صورت استنکاف شرکت از پذیرش این پاسخ‌ها، نوبت به اجرای پاسخ‌های کیفری برسد. اعمال مدیریت صحیح و هماهنگی پاسخ‌ها با یکدیگر می‌تواند به شکل‌گیری یک سیاست جنایی کارآمد در مبارزه با جرائم شرکت‌های تجاری و اعمال حمایت همه‌جانبه از قربانیان این جرائم کمک کند.

۳. تخصصی کردن نهادهای نظارتی و تفکیک وظایف:

تخصصی نمودن نهادهای نظارتی و تفکیک وظایف و دایره نظارت هر یک از آن‌ها با معیارهای دقیق و ملموس می‌تواند مانع سوءاستفاده شرکت‌ها از اختلافات

نهادهای موازی گردد. از طرفی، به رسمیت شناختن مقامات نظارتی به عنوان شاکی در پرونده‌های شرکتی و اجازه شرکت در جلسات دادرسی و ارائه دلیل علیه شرکت‌ها، فرایند کشف و احراز جرائم شرکتی را بسیار تسهیل نموده و کمک شایانی به مصرف‌کنندگان در اثبات خسارات وارده می‌نماید.

۴. تشکیل پرونده‌های گروهی برای قربانیان پراکنده:

با توجه به گستردگی و پراکندگی قربانیان جرائم شرکت‌های تجاری علیه مصرف‌کننده، رسیدگی به شکایات آنان، اعم از جنبه کیفری و ضرر و زیان وارده - به ویژه در مواردی که زیان وارده شدید بوده و شیوه‌های جایگزین حل و فصل اختلاف کارساز نباشد - مستلزم تشکیل پرونده برای یکایک آنان و صرف زمان و هزینه هنگفت است که افزون بر سردرگمی مصرف‌کنندگان، موجب صدور احکام و قرارهای متهافت در مراجع قضایی مختلف می‌گردد. از این رو پیشنهاد می‌شود که در خصوص چنین پرونده‌هایی، ضمن پیش‌بینی سازوکار تعقیب کیفری خارج از نوبت و در شعب ویژه و امکان رسیدگی به شکایات با درخواست هریک از بزه‌دیدگان، دادستان و سازمان‌های مردم‌نهاد، برای آن دسته از بزه‌دیدگانی که به جهت عدم اطلاع از بزه‌دیدگی خود شکایت نکرده‌اند و یا آثار ناشی از مصرف محصول در مدت زمان بالنسبه طولانی ظاهر شده باشد، این امکان فراهم شود که پس از ارائه مدارک مثبت ادعای خود مبنی بر بزه‌دیدگی ناشی از مصرف محصولات، در هریک از شعب رسیدگی‌کننده بتوانند از مزایای احکام محکومیت صادره، از جمله جبران کامل خسارات خود، بهره‌مند گردند (تدارک سازوکار دعاوی گروهی یا جمعی).

فهرست منابع

۱. ابراهیمی، شهرام. (۱۳۹۷ش). *اعلام و افشای جرم اقتصادی*. دز: سیاست جنایی در برابر بزهکاری اقتصادی، (به کوشش امیرحسین نیازپور). تهران: میزان.
۲. ابراهیمی، شهرام؛ حیدری، سیروس. (۱۳۹۸ش). محاکمه مرتکبان نقض حق بر سلامت در دادگاه افکار عمومی مونسانتو. *مدیریت مخاطرات محیطی*، ۶(۱)، ۳۳-۵۰.
<https://doi.org/10.22059/jhsci.2019.274570.436>
۳. آزادی، محمدرضا. (۱۳۹۲ش). *حقوق کاربردی مصرف کننده*. تهران: مجد.
۴. پارسایی، افشین؛ سایبانی، علیرضا؛ رهگشا، امیرحسین. (۱۴۰۰). سازوکارهای حمایت از بزه‌دیدگان در برابر جرائم سازمان یافته اشخاص حقوقی. *پژوهشنامه حقوق کیفری*، ۱۲(۱)، ۷-۲۶.
<https://doi.org/10.22124/jol.2021.16027.1894>
۵. عادل، مرتضی؛ غفاری فارسانی، بهنام. (۱۳۸۹ش). قلمرو اعمال قوانین حمایت از مصرف کننده و عوامل مؤثر بر آن. *مجله حقوق تطبیقی*، ۱(۲)، ۵۱-۷۹.
<https://doi.org/10.22059/jcl.2010.80794>
۶. قبانچی، حسام؛ دانش ناری، حمیدرضا؛ موسوی، ناهید. (۱۳۹۳ش). جرائم مالی شرکتی از گونه شناسی تا علت شناختی. *فصلنامه دانشنامه حقوق اقتصادی*، ۲۱(۶)، ۱۴۲-۱۷۲.
<https://doi.org/10.22067/le.v21i6.26831>
۷. کلارک، رونالد وی. (۱۳۸۸). *جرم شناسی پیشگیری «شصت رویه و راهکار برای پیشگیری از جرم»*، (ترجمه مهدی مقیمی و مهدیه تقی زاده). تهران: انتشارات زرد.
۸. لازرژ، کریستین. (۱۴۰۰ش). *درآمدی بر سیاست جنایی*، (ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی). تهران: میزان.
۹. نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۹۶ش). «بسترهای حقوقی و اجتماعی عدالت ترمیمی در ایران»، دز: فرجیها، محمد (زیر نظر)، *دانشنامه عدالت ترمیمی*، تهران: میزان.
۱۰. نوربها، رضا. (۱۳۷۸ش). سیاست جنایی سرگردان. *فصلنامه تحقیقات حقوقی*، ۲(۲۵ و ۲۶).
۱۱. هاوالت، مایکل؛ رامش. (۱۳۸۰ش). *مطالعه خط مشی عمومی*، (سال تألیف: ۲۰۰۱). ترجمه عباس منوریان و ابراهیم گلشن. تهران: نشر فرهنگ اسلامی.
12. Bottoms, A and Roberts, JV ' Preface ' in A Bottoms and JV Roberts (eds), "Hearing the Victim: Adversarial Justice, Crime Victims and the State" Cullompton, Willan Publishing, 2010
13. Broder, Douglas, U.S. Antitrust Law and Enforcement, First Edition, Oxford University Press, 2010
14. Carter, Carolyn L, Consumer protection in the states, A 50-state report on unfair and deceptive acts a 50-state report on unfair and deceptive acts and practices statutes, February 2009
15. Clark, B & Lansford, H; A Re- Brith of Corporate Killing? Lessons From American in a New Law For Scotland , 2005
16. Endah Wahyuningsih, Sri & Santoso, Teguh & Mashdurohatun, Anis, "Reconstruction of criminal sanctions against pereprators of corporate crime based on the value of justice" South East Asia Journal of Contemporary Business, Economics and Law, Vol. 24, Issue 4 June 2021
17. Engelhart , M , Hillemanns , C , and Schenk , A, "Needs of Victims of Corporate Violence: Empirical Findings: Comprehensive Report", National Report : Germany ' in A Visconti (ed) , 2017

18. Cartwright Peter, published in north America us and Canada, by Harter publishing, 2004
19. Govier, T, "Victims and Victimhood" , Peterborough ON, Broadview Press, 2015
20. Govier, T, "Victims and Victimhood" , Peterborough ON, Broadview Press, 2015
21. Guinchard, Audrey," Consumer Protection and the Criminal Law: Law, Theory, and Policy in the UK, International Criminal Justice Review, First published 2001
22. Hendrik Schneider, I. White-collar crime and victimology are well-known fields within criminology since the last half of the 20th century . One area, 2015
23. Herman, S, Parallel Justice for Victims of Crime, Washington, DC, The National Center for Victims of Crime, e-book, 2010
24. Karsai, Krisztina, "Consumer Protection by Criminal Law", the European Law Faculties Association, 2012
25. Karsai, Krisztina, "Consumer Protection by Criminal Law", the European Law Faculties Association, 2012
26. Laufer, William. S, "The State's Responsibility for Corporate Criminal Justice", The Journal of Corporation Law, September 2022
27. Mancuso, Enrico Maria, "the roll of victims of corporate violence within criminal Proceedings: current status and future perspectives" Wolters Kluwer Italia, 2021
28. McConvill, J; The Separation of Ownership and Control Under a Happiness Based Theory of the Corporation, Company Lawyer, 26 (2), 2005
29. Nada. Ved P, "corporate criminal liability in the united state: Is a new approach warranted in corporate criminal liability", Edit by mark pieth and Radha Ivory, Springer 2011
30. Peter Mattile & Vanessa Desoutter, Class action in europ: comparative law and Ec law consideration butter worth, jurnal of international bankikg and financial law, October 2008
31. R.v. alo, Schlegel, K. Just Deserts for Corporarion Criminals, Boston: Universiry Northeastern University Press, 2006
32. Simpson, Sally S, "Corporate crime, law, and social control", Cambridge studies in criminology", First published 2002
33. Spalek, Busia, " corporate harm and victimization" criminal justice matters, vol 71,2005
34. Snell, Katy, Tombs, Steve, "How do you get your voice heard when no-one will let you?' Victimization at work", Criminology & Criminal Justice, 11 (3), 2011
35. Traveskas,S, "courts and criminal justice in contemporary China,"Lexington Books, 2007